
سرشناسه نیکزاد، عباس ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: کلام جدید/ نویسنده عباس نیکزاد.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴.

مشخصات مآثری: ۲۸۸ ص.

شابک ۷ - ۸۴۹ - ۵۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlaj.ir> قابل دسترسی است

یادداشت کتابنامه.

شناسه افزوده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف

سماره کتابشناسی ملی ۳۸۰۵۲۳۸

بنیاد علمی و فرهنگی حیات/ ۶

کلام جدید



نویسنده

حجت الاسلام والمسلمین

دکتر عباس نیکزاد

(عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل)



کلام جدید

[illegible]

info@ketabroom.ir کتابخانه دیجیتال ketabroom.ir

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	کلام چیست؟
۱۱	وظایف علم کلام
۱۳	تفاوت کلام جدید و قدیم
۱۴	موضوع علم کلام
۱۵	روش علم کلام
۱۵	غایت علم کلام
۱۷	نمونه‌هایی از مسائل کلام جدید
۱۹	فصل اول: عقل و ایمان
۲۱	اهمیت عقل و ایمان
۲۴	مفهوم‌شناسی عقل
۲۵	مفهوم‌شناسی ایمان
۳۳	متعلقات ایمان
۳۴	نسبت عقل و ایمان
۳۹	۱. نقد دیدگاه ایمان‌گرایان محض
۴۱	۲. دیدگاه اسلام در مورد نسبت عقل و ایمان
۴۷	فصل دوم: معرفت دینی
۴۹	مفهوم‌شناسی دین

۵۲	مفهوم‌شناسی معرفت دینی.....
۵۴	اهمیت توجیه در معرفت‌شناسی.....
۵۷	معرفت‌شناسی دینی و فرق آن با معرفت دینی.....
۵۹	جایگاه عقل در معرفت دینی.....
۵۹	۱. تاریخچه عقل و دین در اسلام.....
۶۲	۲. نسبت عقل و دین در اسلام.....
۶۵	۳. نقد نظریه اثبات‌ناپذیری اعتقادات دینی.....
۷۳	فصل سوم: ثبات و تحول در معرفت دینی.....
۷۵	طرح بحث.....
۷۶	ثبات ضروریات دینی.....
۷۶	ضرورت رعایت صراحت و ظهور کلامی.....
۷۸	نقش معرفت بیرونی در معرفت دینی.....
۸۲	معرفت دینی هم مولد و هم مصرف‌گر.....
۸۵	فصل چهارم: ثبات و تحول در آموزه‌های دینی.....
۸۷	طرح بحث.....
۸۷	۱. ثبات و تحول در عقاید.....
۸۸	۲. ثبات و تحول در اخلاق.....
۹۰	۳. ثبات و تحول در احکام فقهی.....
۹۰	نسخ.....
۹۱	عارض شدن عناوین ثانویه.....
۹۳	تزامم احکام.....
۹۵	تغییر عناوین و شرایط.....
۹۶	حکم حکومتی از جانب حاکم دینی.....
۹۷	عصری نبودن احکام اسلام.....
۱۰۳	فصل پنجم: تسامح و تساهل دینی.....
۱۰۵	طرح بحث.....

۱۰۶	مفهوم‌شناسی تسامح و تساهل
۱۰۸	تسامح و تساهل دینی مثبت و منفی در اسلام
۱۰۹	الف) تسامح و تساهل مثبت در اسلام
	ب) قاطعیت و صلابت در اسلام (یا تسامح و تساهل منفی دینی در اسلام)
۱۲۲	تفاوت دیدگاه اسلام و لیبرالیسم در مورد تسامح و تساهل
۱۳۵	مبانی تسامح و تساهل در لیبرالیسم
۱۳۶	نقد و بررسی مبانی لیبرالیسم در تسامح و تساهل
۱۴۲	۱. نقد نسبت معرفت
۱۴۳	۲. نقد پلورالیسم
۱۴۶	۳. نقد اومانیسم
۱۴۷	۴. نقد سکولاریسم
۱۵۱	فصل ششم: پلورالیسم دینی
۱۵۳	طرح بحث
۱۵۵	معانی مختلف پلورالیسم دینی
۱۵۶	۱. پلورالیسم = کثرت‌گرایی رفتاری
۱۵۷	۲. پلورالیسم = گفتگوی بین‌الادیان
۱۶۰	۳. پلورالیسم = شمول نجات و رستگاری اخروی
۱۶۱	۴. پلورالیسم دینی = حقیقت مجموعه‌ای
۱۷۱	۵. پلورالیسم دینی = یکی بودن گوهر ادیان
۱۷۵	۶. پلورالیسم دینی = تعدّد و تباین حقیقت‌ها
۱۸۲	نقد و بررسی پاره‌ای از ادلّه پلورالیسم
۱۹۰	فصل هفتم: قرائت‌های مختلف از دین (هرمنوتیک)
۲۰۳	طرح بحث
۲۰۵	تاریخچهٔ اجمالی بحث و دیدگاه‌های مختلف
۲۰۶	نقد و بررسی هرمنوتیک فلسفی (گرایش افراطی تعدد قرائت‌ها از متون)
۲۱۲	

۲۱۹.....	تذکر چند نکته.....
۲۲۳.....	فصل هشتم: سکولاریسم.....
۲۲۵.....	مفهوم‌شناسی سکولاریسم.....
۲۲۶.....	خاستگاه سکولاریسم (عوامل پیدایش سکولاریسم).....
۲۳۰.....	گستره تفکر سکولاریسم.....
۲۳۲.....	نقد و بررسی ادله سکولاریسم.....
۲۳۳.....	۱. نقد و بررسی دلیل اول.....
۲۳۴.....	۲. نقد و بررسی دلیل دوم.....
۲۳۶.....	۳. نقد و بررسی دلیل سوم.....
۲۳۸.....	۴. نقد و بررسی دلیل چهارم.....
۲۳۹.....	۵. نقد و بررسی دلیل پنجم.....
۲۴۰.....	۶. نقد و بررسی دلیل ششم.....
۲۴۱.....	۷. نقد و بررسی دلیل هفتم.....
۲۴۹.....	فصل نهم: آزادی‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام.....
۲۵۱.....	مفهوم‌شناسی آزادی.....
۲۵۳.....	دیدگاه اسلام درباره آزادی اجتماعی.....
۲۵۸.....	حدود آزادی.....
۲۵۹.....	۱. حدود آزادی در لیبرالیسم.....
۲۶۲.....	۲. حدود آزادی در اسلام.....
۲۶۶.....	۳. آزادی و حدود آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۲۶۹.....	پاسخ به چند شبهه در باب آزادی عقیده.....
۲۶۹.....	۱. جهاد در اسلام.....
۲۸۱.....	۲. حکم مرتد در اسلام.....
۲۸۶.....	۳. حکم سبّ النبی.....
۲۸۷.....	منابع و مأخذ.....

کلام چیست؟

در قلمرو هر دینی به منظور دفاع عقلانی از مبانی و ارکان فکری و اعتقادی آن دین و نیز تبیین خردپذیر باورهای کلی آن، همچنین فراهم ساختن زمینه گسترش حوزه و قلمرو آن، شاخه‌ای از دانش بشری پدید آمده است که «کلام» نام گرفته است.

کلام در مغرب زمین همان «تئولوژی» است که مرکب از دو کلمه «تئو» و «لوژی» است. تئو کلمه‌ای یونانی و به معنی «خداست» و لوژی به معنی «شناخت» است و معادل آن عناوینی مانند: علم الربوبیات، معرفه الربوبیات و الهیات است.

وظایف علم کلام

۱. تفسیر و تبیین خردپذیر دین مورد نظر

نخستین وظیفه این علم که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم عقلی به معنی عام آن است، این بوده که با تبیین و تفسیر خردپذیر دین مورد نظر،

زمینه استحکام ارکان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدید را که ارمغان دین جدید است، فراهم سازد. دین جدید، نظامی متفاوت از نظام‌های پیشین ارائه می‌کند که بر اصول و مبانی ویژه‌ای استوار است. تبیین این اصول به منظور تثبیت آن نظام فرهنگی - اجتماعی، در علم کلام انجام می‌پذیرد و از آن‌جا که مهم‌ترین جنبه ادیان که بر همه جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن غلبه دارد، مبدأ پیدایش آن دین و در واقع الهی بودن آن است، الهیات نیز نامیده شده است.

۳. ارائه دفاعی خردپذیر در برخورد دین مورد نظر با فرهنگ‌ها و ادیان موجود شکی نیست که هر دینی در جامعه یا قلمرویی که ظهور می‌کند، با افکار و گرایش‌های منسجم، شناخته شده و با پذیرش ملت یا ملت‌ها روبرو می‌شود که به‌طور کلی یا جزئی با اندیشه‌ها و دستورات دین جدید ناسازگار است، و بنابراین زمینه برخورد میان آن‌ها وجود دارد. تبیین خردپذیر دین می‌تواند به موقفت دین جدید در این برخوردها کمک نماید.

اگرچه حضور پیامبران و نیز معجزات و بینات آن‌ها، برای انسان‌های حق طلب حجتی گریزناپذیر است، و به همین دلیل دین جدید بدون استدلال‌های عقلی و کلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اما وجود حسّی پیامبران و معجزات آن‌ها تنها در برهه‌ای از تاریخ امکان‌پذیر است و پس از عدم حضور پیامبران بسیاری از دلایل قطعی آن‌ها بر آسمانی بودن و بی‌بدیل بودن تعالیم آن‌ها، تبدیل به امری تاریخی می‌شود که چه بسا اصل آن نیز مورد تردید قرار می‌گیرد. بنابراین پیروان ادیان برای صیانت از پیام آسمانی، علم کلام را تأسیس کردند تا از تردیدپذیری پیام یاد شده کاسته و استناد آن را به مبدأ آسمانی آشکار سازند و آن را از گزند حوادث عصری که به تغییرات

عمیق می‌انجامد، حفظ نمایند. از این گذشته فرهنگ‌های موجود که با حضور آسمانی و پر قدرت دین جدید منزوی شده‌اند، با کاسته شدن از جنبه‌های معنوی و آسمانی دین جدید، دوباره وارد صحنه شده و با استفاده از تجارب گذشته و نیز به خدمت گرفتن محصول خرد آدمی به مقابله با دین جدید می‌پردازند. از سوی دیگر، دین جدید نیز که به خاطر دور شدن از منبع اصیل خود و آلوده شدن با محدودیت‌های فکر و رفتار انسانی، توانایی پیشین خود را برای کنار زدن فرهنگ‌های جاهلی از دست داده است، باید به ابزار و سلاحی مجهز شود که فرهنگ‌های منزوی شده‌ی پیش از این، از آن برخوردار بوده‌اند؛ یعنی در برابر تردیدافکنی‌های عقلی آن‌ها، باید پاسخ‌های خردپذیر ارائه کند که مجموعه آن‌ها علمی به نام کلام را پدید می‌آورد.

۳. رساندن پیام دین مورد نظر در قالب‌های فهم‌پذیر و مشترک میان انسان‌ها

هر دینی برای توسعه قلمرو خود و به تعبیر دیگر برای رساندن پیام خود به جوامع بشری باید پیام خویش را در قالب‌های فهم‌پذیر و مشترک میان انسان‌ها ارائه کند، و چون عمومی‌ترین وجه مشترک انسان‌ها که از تغییرات اساسی به دور مانده و می‌ماند، عقل و خرد آنان است، بنابراین دین باید تعالیم خود را در قالب‌های خردپذیر ارائه کند. مجموعه قالب‌های خردپذیر دین که هم توجیه‌پذیری عقلانی دارد و هم می‌توان از آن دفاع عقلانی کرد، به نام کلام شهرت یافته است.

تفاوت کلام جدید و قدیم

آیا کلام جدید و قدیم با یکدیگر تفاوت دارد؟ برای پاسخ به پرسش یاد شده

باید به این نکته توجه داشته باشیم که تفاوت علوم یا به تفاوت موضوع آن‌هاست، یا به غایت و یا روش تحقیق آن‌ها. نگاه کوتاهی به عناوین سه گانه یاد شده در این دو علم مفروض، پاسخ آن را روشن می‌کند.

موضوع علم کلام

در مورد موضوع علم کلام به دو نظریه می‌توان اشاره کرد:

۱. موضوع علم کلام، شناسایی هستی از آن جهت که هستی است، می‌باشد. در واقع موضوع آن «هستی‌شناسی» است.

۲. موضوع علم کلام، اثبات عقاید دینی است. با مراجعه به کتب کلامی‌های مختلف دینی می‌توان فهمید که اگر موضوع علم کلام، هستی‌شناسی است، منظور از این هستی، هستی خدا و صفات و افعال اوست و اگر موضوع آن، شناسایی و مدلل ساختن عقاید دینی است، باز هم درباره همین موضوعات است و بنابراین موضوع علم کلام، شناسایی خدا، انسان، هدایت و سرنوشت نهایی اوست.

موضوع کلام جدید نیز علی‌رغم تغییر در برخی مسائل، همان موضوع کلام قدیم است، و تنها جنبه‌های انتقادی کلام جدید بیش از کلام سنتی است. اما اولاً: این امر سبب تفاوت دو علم نیست و ثانیاً: این ویژگی نیز عمومیت ندارد و تنها در جوامع غیردینی و یا دارای گرایش‌های دینی ضعیف نمودار شده است.

به‌طور کلی کلام جدید و کلام قدیم هر دو یک علم است که در سیر تکامل یا تغییرات طبیعی و تاریخی خود دارای مسائل و ابزار و اهداف جدیدی نیز شده است.

روش علم کلام

روش علم کلام، روشی عقلی است و برای تبیین احکام در گزاره‌های کلامی، از روش نقلی و شهودی استفاده نمی‌شود. اگرچه گزاره‌های نقلی و حتی مشهورات و مسلمات نیز می‌تواند به عنوان مقدمه دلایل کلامی به کار رود، اما کاربرد این گونه گزاره‌ها به معنی اثبات نقلی احکام آن نیست. روش کلام جدید نیز مانند کلام سنتی عقلی است، و اگر چه در کلام جدید بحث‌های زمانی، تاریخی و پژوهش‌های مربوط به زمینه‌ها و تناسب‌های گزاره‌های دینی مطرح می‌شود، اما این به معنی بیرون شدن از شیوه عقلی در پژوهش نیست.

همچنین در کلام جدید، موضوعات تجربی، روانی، فیزیکی و شیمیایی به عنوان مقدمات استدلال‌های کلامی بیشتر به کار می‌رود، تا جایی که تعارض‌های مربوط به حوزه علم و دین، بخشی از آن را به خود اختصاص داده است. اما این امر نیز به معنی کاربرد شیوه پژوهش تجربی در کلام نیست. بنابراین به طور کلی روش تحقیق در کلام سنتی و جدید، روش عقلی است و هر دو از زیر مجموعه علوم عقلی به حساب می‌آیند.

غایت علم کلام

چنان که گفته شد، کلام به تفسیر مبانی فکری دین می‌پردازد، آن را مدلل می‌سازد، اندیشه‌های سازگار با آن را مورد نقد قرار می‌دهد و سرانجام به انتقادهای وارد بر عقاید مورد تعهد خود پاسخ می‌دهد و از آن‌ها دفاع می‌کند. از اهم وظایف کلام، دفع شبهات است و چون شبهات نو شونده‌اند، کلام هم نو می‌شود. البته نباید پنداشت که همیشه با همان سلاح‌های قدیمی

می‌توان به شبهات پاسخ گفت. گاهی برای پاسخ به شبهات جدید، به سلاح‌های جدید احتیاج است بنابراین، متکلم محتاج دانستن چیزهای تازه می‌شود؛ از این رو علم کلام، هم از طریق معارف تازه و هم از طریق مسأله‌های تازه تغذیه می‌شود.

بدین معنا که در گذشته، کلام بیشتر با مسائلی در حوزه خدشناسی و معادشناسی روبه‌رو بوده است ولی امروزه مباحث، بیش‌تر به قلمرو انسان‌شناسی و دین‌شناسی نظر دارند.

موج انسان‌گرایی در دورهٔ رنسانس در قرن پانزدهم آغاز و در قرن هیجدهم به اوج خود رسید. در این زمان کسانی در غرب قائل شدند که انسان می‌تواند و باید همه چیز را با عقل نقاد خویش و با روش علوم تجربی بررسی کند. کسانی که پیرو این اندیشه بودند، گفتند کتاب مقدس هم با دیگر امور فرقی ندارد، بنابراین باید به آزمایشگاه علم برود. عالمان الهیات مسیحی، در برابر این جریان، و برای دفاع از ایمان مسیحی و تطبیق آن با وضعیت جدید تلاش‌های بسیاری کردند که حاصل آن پیدایش علمی به نام «الهیات جدید مسیحی» یا «کلام جدید» بود.

اصطلاح کلام جدید، اولین بار در فرهنگ اسلامی، توسط شبلی نعمانی با نگارش تاریخ کلام جدید مطرح گردید و سپس استاد شهید مطهری رحمته‌الله در مباحث کلامی خود بر آن تأکید ورزیدند.

بنابراین مقصود از کلام جدید، مسائل جدید کلامی است که متکلم باید به خوبی آن‌ها را بشناسد و با بهره‌گیری از روش‌های مناسب به بررسی آن‌ها بپردازد.

نمونه‌هایی از مسائل کلام جدید

چیستی و تعریف دین، انتظار بشر از دین، قلمرو دین و گستره شریعت، کارکردهای دین، منشأ دین، گوهر و صدف دین، زبان دین، تعارض علم و دین، پلورالیسم دینی، رابطه عقل و دین، تجربه دینی، رابطه دین و دنیا، رابطه دین و اخلاق، معرفت‌شناسی دینی، ثبات و تحول معرفت دینی، ثبات و تحول آموزه‌های دینی، تسامح و تساهل دینی، دین و آزادی‌های اجتماعی، رابطه عقل و ایمان و

موضوعاتی که در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است به شرح زیر است:

۱. عقل و ایمان
۲. معرفت دینی
۳. ثبات و تحول در معرفت دینی
۴. ثبات و تحول در آموزه‌های دینی
۵. تسامح و تساهل دینی
۶. پلورالیسم دینی
۷. قرائت‌های مختلف از دین
۸. سکولاریسم
۹. آزادی‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام